

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره دهم، زمستان ۱۴۰۲: ۹۱-۶۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

واکاوی آسیب‌های اجتماعی پیش روی زنان زندانی شهرستان گرگان پس از آزادی

لیلا نصرالهی وسطی*

مصطفی اصغری شیخی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر، واکاوی تجارب زیسته زنان زندانی شهرستان گرگان از حمایت‌های اجتماعی و بازسازی زندگی پس از زندان است. این پژوهش از نوع کیفی و با استراتژی پدیدارشناسی انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختارمند و جامعه هدف، پانزده نفر از زنان زندانی آزادشده در شهرستان گرگان است که به‌طور قضاوتی هدفمند و تاحد اشباع نظری انتخاب شدند. اعتباریابی نتایج با معیارهای لینکلن و گوبا انجام شد. نتایج نشان داد که فرایند بازسازی زندگی پس از زندان، بدون درک و فهم پیش‌زمینه‌ها و شرایط زمینه‌ای که در گذشته و تجربه زندگی افراد دخیل است، قابل بررسی نیست. یافته‌ها نشان داد که بازسازی زندگی پس از زندان، فرایندی پیچیده و چندبُعدی است و زنان سابقه‌دار برای تکمیل آن نیازمند بازسازی فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی‌شان از جنبه‌های عینی و ذهنی هستند. تجربه زندگی در زندان، تبعات و پیامدهای مثبت و منفی متعددی نیز دارد که در بازگشت موفقیت‌آمیز زنان به جامعه یا شکست آنان در فرایند بازسازی مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: زنان زندانی، حمایت‌های اجتماعی، بازسازی زندگی پس از زندان، تجربه زیسته، و پدیدارشناسی.

* نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم اجتماعی- جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد

علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
leila.nasrolahi@srbiau.ac.ir

** کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران
mostafa.asghari.sheykhi@gmail.com



مقدمه

حبس، یکی از ناملایمات و شرایط نامطلوب زندگی است که می‌تواند بر زنان و مسئولیت‌های آنان، تأثیر منفی بگذارد. تأثیر زندانی شدن به‌شدت در خانواده احساس می‌شود، به‌ویژه اینکه برخی از زنان زندانی، مادر هستند (Artz & Rotmann, 2015: 156). این اثرات در فرایند ورود مجدد به جامعه نمود می‌یابد، زیرا افراد از حبس به جامعه انتقال می‌یابند و باید با زندگی خارج از زندان و سبک زندگی بدون جرم سازگار شوند. ورود مجدد یک فرایند پیچیده، همراه با چالش‌های متعدد برای افراد زندانی است. بسیاری از آنها فرصت پیشرفت حرفه‌ای ندارند و بنابراین مهارت‌های آموزشی و شغلی محدودی دارند (Aiello & McQueeney, 2016: 112). افزون بر این آنها در یافتن شغل، مشکل دارند و اغلب فاقد مسکن مناسب هستند. برای محکومی که مدتی از عمر خود را در زندان گذرانده است، دوران پس از حبس، یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی محسوب می‌شود و بر زندگی و آینده وی تأثیرگذار است؛ زیرا مسائل و مشکلات موجود در زندگی عده زیادی از این زنان، چالش‌های فراوانی را در مسیر بازگشت به جامعه به وجود می‌آورد (Miller et al, 2014: 96).

اکثر زنانی که زندان را تجربه می‌کنند، پیشینه پیچیده‌ای دارند که می‌تواند شامل کودک‌آزاری، سوءاستفاده جنسی، غفلت، خشونت خانگی و سوءمصرف مواد مخدر و الکل باشد (Bartels et al, 2020: 247). این تجربه‌های زندگی می‌تواند بر ظرفیت یک زن برای حفظ شغل و نیز، بر سلامت روانی او تأثیر بگذارد و مشکلاتی را با فرزندپروری ایجاد کند (Stathopoulos, 2012: 843). والدینی که فرزندپروری ضعیف را در دوران کودکی خود تجربه کرده‌اند، به احتمال زیاد به فرزندپروری ضعیف فرزندان خود نیز ادامه می‌دهند. افزایش جمعیت زنان در زندان باعث شده است که بسیاری از کودکان از مراقب‌های مورد نیاز محروم شوند و مادر شدن در حبس، به مسئله‌ای جدی برای این زنان تبدیل شده است و از این‌رو نیاز به آموزش والدین است (Stone, 2017: 165; Walmsley, 2016: 212).

تجربه زندگی در زندان، تبعات و پیامدهای مثبت و منفی متعددی دارد که در بازگشت موفقیت‌آمیز زنان به جامعه یا شکست آنان در فرایند بازسازی تأثیرگذار است. همچنین بازسازی زندگی پس از زندان، فرایندی پیچیده و چندبُعدی است و زنان سابقه‌دار برای انجام آن نیازمند بازسازی فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی‌شان از جنبه‌های عینی و ذهنی هستند (Fowler et al, 2018: 53). زنان زندانی

برحسب اتهاماتی که به آنها وارد شده، برای بازداشت به زندان معرفی می‌شوند و برخی نیز به دلیل انجام جرایم، دوران محکومیت خود را در زندان سپری می‌کنند. زنان به خاطر داشتن برخی خصوصیات طبیعی و خصایل زنانه از جمله داشتن طبعی آرام به مراتب کمتر از مردان مرتکب جرایم سنگین و محکوم به زندان می‌شوند. نتایج تحقیقات بیانگر آن است که زنان، ۳۰۱ درصد از زندانیان ایران را شامل شده‌اند و در فواصل سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱، تعداد زنان محکوم به حبس، حدود ۴۰۲ درصد رشد داشته است (ر.ک: موسوی تبار و موسوی تبار، ۱۴۰۱).

باید در نظر داشت که حبس در زندان منجر به افزایش نگرانی و استرس برای زنان هنگام برگشت از زندان به سمت جامعه و محیط خانواده و تداوم جریان عادی زندگی خواهد شد. گروهی از زنان به علت شرایط اجتماعی محیط زندگی خویش و یا به علت نحوه تربیت خانوادگی نامناسب در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که خواسته یا ناخواسته مرتکب جرایم مرتبط با مواد مخدر، تشکیل دادن خانه‌های فساد و داشتن روابط نامشروع، جرایم مالی و کلاهبرداری، دزدی، سرقت مسلحانه و معاونت در قتل و اعتیاد محکوم به زندان شده و دارای سابقه محکومیت می‌شوند (ر.ک: امرایی‌نیا، ۱۳۹۴).

با توجه به آسیب‌پذیرتر بودن زنان زندانی نسبت به مردان زندانی و با توجه به شرایط اجتماعی حاکم در جامعه نسبت به این دسته از زنان، پرداختن به تجربه زنان زندانی پس از رهایی از زندان و آسیب‌های پیش روی آنها، اهمیت ویژه‌ای دارد. این تحقیق تلاش دارد تا با توجه به شرایط زنان دارای سابقه حبس در شهر گرگان و مشکلات پس از زندان از قبیل طردشدگی، بی‌توجهی به نیازهای این افراد و نیز آینده مبهم پیش روی آنها، آسیب‌های اجتماعی پیش روی زنان زندانی را با تأکید بر تجربه بازسازی زندگی پس از زندان واکاوی کند. به‌طور مشخص این مطالعه تلاش دارد تا به چهار پرسش پاسخ دهد:

۱. چالش‌های زندگی پیش روی زنان پس از آزادی از زندان کدامند؟
۲. تجربه زیسته زنان زندانی از حمایت‌های اجتماعی پس از آزادی از زندان، چگونه است؟
۳. تجربه زیسته زنان زندانی از بازسازی زندگی پس از زندان چگونه است؟
۴. نحوه مدیریت چالش‌های پس از حبس توسط زنان زندانی چگونه است؟

پیشینه پژوهش

لیچ و همکاران^۱ (۲۰۲۴) به بررسی دیدگاه زندانیان زن درباره چرایی افزایش وزن در حین زندان پرداختند. در این تحقیق، از طرحی کیفی با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با شش زن ساکن در زندانی در جنوب انگلستان استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها، سه موضوع مرتبط با دلایل افزایش وزن زنان در زندان را مشخص کرد. این برجسب‌ها به این صورت بود: «تنها چیزی که نباید برایش اجازه بخواهید، غذایتان است. فقط به شما تحویل داده می‌شود»؛ «اگر چیزهایی که شما را خوشحال می‌کند، یا از اعتیاد به آنها منع شده‌اید، خوردن می‌تواند شما را آرام کند» و «زندان می‌تواند باعث شود بهتر مراقب سلامتی خود باشید».

ناصریان (۱۴۰۲) با ۲۵ زن سابقه‌دار محکوم به قاچاق مواد مخدر در ندامتگاه زنان قرچک، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیق به صورت هدفمند انجام داد. یافته‌ها شامل پنج مضمون اصلی شامل ترس‌ها، اضطراب‌ها و پیش‌بینی ناپذیری‌ها، استحاله زنانگی، بازاندیشی و بازسازی هویت‌ها، زوال و از دست دادن نقش‌ها، ائتلاف فرودستی و هم‌دستی بود. نتایج بیانگر آن است که زنان زندانی به دلیل قرار گرفتن در موقعیت «فرودست»، مورد انقیاد و سوءاستفاده مردان قرار می‌گیرند و زندان باعث به وجود آمدن اضطراب‌های متعدد و آشفتگی‌های جسمی و روحی فراوانی در آنان شده است. به علاوه زندانیان به دنبال استراتژی‌هایی برای بازسازی هویت و تقویت بُعد زنانه خود هستند و زندانی بودن، داغ ننگی است که باعث انزوای اجتماعی، عدم مقبولیت خانوادگی و در نهایت بازگشت و تکرار جرم می‌شود.

موسوی‌تبار و موسوی‌تبار (۱۴۰۱) بیان داشتند که یکی از مسائل مهم و اساسی در زندان، ارتباطات زنان زندانی با یکدیگر است که این تعاملات می‌تواند موجب تشکیل باندهای داخل زندان را فراهم سازد و البته گاهی سبب فراهم آوردن ارتکاب مجدد مجرم، توسعه بزهکاری، آموزش بزهکاری و گاه کشیده شدن دامنه آسیب‌های دیگر اجتماعی به خارج از زندان شود.

گودرزی (۱۴۰۰)، تجارب زیسته زنان زندانی از بازسازی زندگی پس از زندان را

بررسی کرده است. جامعه هدف، کلیه زنانی بود که حداقل سه سال و حداکثر ۵ پنج سال از آزادی آنها از زندان گذشته و دوره محکومیت خود را در زندان‌های استان لرستان به پایان برده بودند. نتایج پژوهش نشان داد که سه الگوی متفاوت در میان زنان مورد بررسی برای بازسازی زندگی پس از حبس وجود داشت که شامل بازسازی فعالانه-پیش‌روانه، بازسازی منفعلانه-واپس‌گرایانه و بازسازی ترکیبی- دوره انتقال است. بر اساس نتایج، هر یک از الگوهای مطرح‌شده دارای ویژگی‌هایی هستند که آن را از الگویی دیگر متمایز می‌کند و این ویژگی‌ها، چالش‌ها و مشکلاتی است که زنان مورد بررسی در دوره‌های مختلف زندگی قبل از ورود به زندان، زندگی در زندان و پس از رهایی از حبس تجربه کرده‌اند.

صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۹۶) با ۳۸ زن ۱۹-۶۸ ساله آزادشده، مصاحبه‌های عمیق کیفی و پدیدارشناسانه انجام دادند و تجربه زیسته آنها را از دوران حبس و پس از آزادی تحلیل کردند. یافته‌ها نشان داد که بسیاری از این زنان در زمینه مسائلی مانند پذیرش در خانواده و اتصال به شبکه‌های اجتماعی با چالش مواجه‌اند. مطابق نتایج، سرزنش و تحقیر، احساس تنها بودن، احساس محرومیت و عقب‌ماندگی، از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی-اقتصادی و... مشکلاتی را در زندگی آنها به وجود آورده و آنان را مجبور کرده است که به کمک شیوه‌های زیر، این چالش‌ها را در زندگی خود مدیریت کنند: سرپوش گذاشتن بر هویت مجرمانه، گمنامی و ناشناختگی، قطع شبکه‌های جرم‌زا و خلق شبکه‌های جدید، درگیری در فعالیت‌های روزانه مانند اشتغال و مراقبت از فرزندان.

امرایینیا (۱۳۹۴) با نه نفر از زنان زندانی کانون اصلاح و تربیت شهر سنندج مصاحبه عمیق انجام داد. در تحلیل داده‌ها، چهار بعد زمینه‌های قبل از زندان، زندان، آموزش در زندان و انگیزه مددجویان برای حضور در دوره‌های آموزشی و اثرات این دوره‌ها در توانمندسازی مددجویان بررسی شد. یافته‌ها بیانگر آن بود که زنان زندانی با زمینه‌های جرم متفاوت، انگیزه زیادی برای شرکت در کلاس‌های مهارت‌آموزی دارند. همچنین بررسی تجارب مددجویان نشان داد که حضور در این کلاس‌ها، نقش مثبتی در بازتوانمندسازی همه‌جانبه مددجویان داشته و در اکثر موارد با توانمندسازی شغلی و اقتصادی و فراهم نمودن فضای بازسازی مددجویان از لحاظ روحی، روانی و تربیتی، زمینه ارتکاب مجدد جرم در میان مددجویان را کاهش می‌دهد. به‌زعم این محققان، در

واقع آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فضای بازسازی خویشتن به واسطه کار برای مددجویان را فراهم نموده بود.

صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۹۳) از طریق مصاحبه‌های عمیق با بیست زن پس از آزادی از زندان نشان دادند که چگونه زندان، زنان را در موضعی خاص قرار می‌دهد و برای آنها پیامدهای بسیار جدی را رقم می‌زند؛ پیامدهایی که بخش عمده‌ای از آن را زنان منفی تلقی می‌کنند و تبعاتی چون طرد خانوادگی و اجتماعی، دوری از فرزندان و تأثیرات حبس، آموزش و یادگیری بزهکاری در زندان و... را برای آنها به دنبال دارد. با این حال زنان مصاحبه‌شونده معتقد بودند که حبس، تأثیرات مثبتی نظیر قطع شبکه‌های ارتباطی جرم‌زا و جدا شدن از سابقه جرمی، آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در زندان و مواردی نظیر این را نیز به دنبال دارد.

با نگاهی انتقادی به پیشینه تحقیق می‌توان شاهد چند خلأ و شکاف در ادبیات موجود بود. نخست اینکه در هیچ‌یک از مطالعات خارجی، تجربه زیسته زنان زندانی بررسی نشده است. به علاوه در مطالعات داخلی نیز تنها دو مطالعه (گودرزی، ۱۴۰۰؛ صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۶) به بررسی تجربه زیسته زنان زندانی پرداخته است. دوم اینکه هیچ‌یک از مطالعات داخلی به شناسایی آسیب‌های اجتماعی پیش روی زنان زندانی با تأکید بر تجربه بازسازی زندگی پس از زندان نپرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً بر زنان حبس‌شده تمرکز کرده و داده‌های مورد نیاز را از آنها در شرایط حبس گردآوری کرده‌اند؛ در حالی که این مطالعه، داده‌های مورد نیاز را از زنان آزادشده گردآوری نموده است. سوم اینکه مطالعات پیشین بر جوامع هدف خاصی تمرکز داشته‌اند و هیچ‌یک از آنها بر زنان زندانی شهرستان گرگان تأکید نداشته‌اند.

دلالت‌های نظری

نظریه برچسب‌زنی^۱، نظریه‌ای در حیطه جامعه‌شناسی انحرافات است که سعی دارد تا نقش جامعه در بروز انحرافات را توضیح دهد و به قوانینی که فرد را مسئول انحرافات خویش می‌داند، خرده گیرد. بر اساس این نظریه، فرد صرفاً با تخطی از برخی هنجارهای رفتاری، کجرو نمی‌شود؛ بلکه کجرو، برچسبی است که به فرد زده می‌شود. نظریه‌پردازان

1. Labeling

برچسب‌زنی، کجروی را نه به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های افراد یا گروه‌ها، بلکه به منزله فرایند کنش متقابل میان کجروها و غیر کجروها تفسیر می‌کنند. از دید آنها، ما باید دریابیم که چرا به برخی از مردم برچسب «کجرو» زده می‌شود، تا ماهیت کجروی را درک کنیم (گیدنز، ۱۴۰۱: ۳۰۵).

هوارد بکر، کجروی را نوعی ساخت اجتماعی ملاحظه می‌کند که گروه‌های خاص به منظور طرد و حذف و کجرو شناختن دیگران می‌سازند. گروه‌های اجتماعی، کجروی را با ساختن قواعدی که بر اساس آن، تخلف اجتماعی، کجروی قلمداد می‌شود، می‌سازند. بنابراین کجروی، ویژگی ذاتی رفتاری نیست که شخص مرتکب شده است؛ بلکه پیامد اعمال قواعد و تحریم نسبت به شخص کجرو به وسیله دیگران است. کجرو، کسی است که برچسب کجرو به او زده می‌شود. رفتار منحرفانه، رفتاری است که مردم این برچسب را بر آن می‌زنند (Renzetti, 2008: 492).

هسته مرکزی نظریه، این ایده است که چیزی به نام انحراف و کجروی ذاتی وجود ندارد. به جای آن، تیپ‌هایی از اشخاص یا اعمال وجود دارند که به عنوان منحرف طبقه‌بندی می‌شوند و چنین برچسبی به آنها زده می‌شود (حسینی و متولی‌زاده نائینی، ۱۳۹۱: ۱۶۲). برچسب کجروی، دوری باطل است. وقتی برچسبی به یک گروه زده می‌شود، آنها واکنش شدید از خود بروز می‌دهند و متقابلاً برچسب زنان را متهم می‌کنند و در مقابل، گروه کجرو مورد نکوهش و تقبیح اجتماعی بیشتر قرار می‌گیرد. مطابق با این نظریه، زمانی که برچسب مجرم به طور موفقیت‌آمیز بر زنان بزهکار وارد می‌شود و هنگامی که عمل برچسب‌زنی صورت می‌گیرد، بدنام کردن نیز اتفاق می‌افتد. فرایند برچسب‌زنی می‌تواند آثار منفی خاصی داشته باشد. آثاری از این دست که شخص برچسب‌خورده، ممکن است نقشی را بپذیرد که در آن برچسب به او نسبت داده می‌شود. در واقع اگر بر شخصی، برچسب مجرم وارد آید، ممکن است او به شکلی متناسب با آن برچسب رفتار کند.

گافمن با مطالعه نظریه برچسب‌زنی و تدقیق و توسعه آن، نظریهٔ داغ ننگ^۱ را ارائه کرد. این نظریه همچون برچسب‌زنی، برای تحلیل مسائل فردی و اجتماعی افرادی است که جامعه بدان‌ها لقب نابهنجار داده است و به هر شکلی با یک یا چند داغ ننگ دست و

پنجه نرم می‌کند. از نظر او، فرق داغ ننگ با برچسب‌زنی در این است که داغ ننگ، پاک نشدنی و همیشگی است و حتی می‌تواند با نسل‌های مختلف همراه شود. این نظریه بیان می‌کند که چگونه یک داغ می‌تواند در زندگی افراد تعیین‌کننده باشد. بر اساس طبقه‌بندی گافمن، با سه نوع داغ‌خوردگی مواجه هستیم: نخست، داغ‌های برآمده از زشتی‌ها و معایب جسمانی (مثل معلولیت‌ها، ناتوانی‌های نمایان جسمی، اوضاع پوستی، بیماری‌های صعب‌العلاج و خطرناک مانند ایدز و اختلالات ارتباطی)، دوم، داغ‌های برآمده از معایب شخصیتی که به رفتارهای شخصیتی افراد برمی‌گردد (مانند اعتیاد، سوابق جنایی و زندان و گرایش‌های خاص سیاسی) و سوم، داغ‌های برآمده از معایب و ننگ‌های قومی و قبیله‌ای (مانند نژاد، مذهب و ملیت). به نظر گافمن، هر یک از این داغ‌های ننگ می‌تواند تلقی فرد از خود و تلقی جامعه از او را تحت‌الشعاع قرار دهد و سرانجام باعث شود که فرد از آنچه باید باشد، فاصله بگیرد و در بیشتر اوقات به یک ضد هنجار بدل شود. فرد داغ‌خورده، انسان کاملی نیست و بر اساس همین تصور، جامعه انواع تبعیض و ناملایمت‌ها را ضد وی اعمال می‌کند. بدین سبب در بیشتر مواقع، فردی نابهنجار می‌گردد که همیشه درصدد است تا با عملی، مقابله به مثل کند و هر روز از معیارهای جامعه، منحرف‌تر می‌شود (ذبیح‌نیا، ۱۴۰۱: ۸۳).

روش پژوهش

برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، رویکردی کیفی با بهره‌گیری از استراتژی پدیدارشناسی اتخاذ شد که جنبه اکتشافی دارد. به لحاظ پارادایمی، این پژوهش از نوع تفسیرگرا و از نظر رویکرد علمی، از نوع استقرایی است. جامعه هدف، شامل زنان زندانی آزادشده در شهرستان گرگان است. نمونه مدنظر بر اساس روش نمونه‌گیری، هدفمند و از میان زنانی انتخاب شده که حداقل یک‌بار سابقه حبس داشته‌اند. به علاوه زنان مصاحبه‌شونده از میان زنان آزادشده طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ انتخاب شدند که به مرکز مراقبت پس از خروج استان گلستان مراجعه و در آن مرکز، پرونده تشکیل داده بودند. از این‌رو نمونه زنان زندانی آزادشده به‌طور قضاوتی هدفمند و تاحد اشباع نظری انتخاب شدند.

حصول اشباع نظری از دو طریق میسر شد: نخست به دلیل هدفمند بودن

نمونه‌گیری و وجود تجربه مشترک میان مصاحبه‌شوندگان و دوم به دلیل دستیابی به داده‌های تکراری در پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش. پس از انجام مصاحبه و با استفاده از چهار مؤلفه اعتبار، انتقال‌پذیری، اعتمادپذیری و تأییدپذیری در چارچوب ارزیابی لینکلن و گوبا ارزیابی شد. ابزار گردآوری داده، مصاحبه نیمه‌ساختارمند بود. مصاحبه‌های عمیق کیفی و روایتی که به صورت حضوری و یا تلفنی بوده و در یک و یا دو مرحله صورت پذیرفته است. هر یک از مصاحبه‌ها بین یک تا سه ساعت طول کشید و در بیشتر مواقع با اجازه مصاحبه‌شوندگان، ضبط شده، سپس به صورت متنی نوشته و تحلیل شد. مصاحبه‌ها بدون حضور شخص سوم و اغلب در اتاق مددکاری اجتماعی انجام شد. روش دوم جمع‌آوری داده‌ها از طریق مشاهده مستقیم بوده که هنگام انجام مصاحبه و یا بازدید از منزل امکان‌پذیر شده است و در آن حالات، رفتار و نحوه گفتار پاسخگویان و یا اطرافیان‌شان بررسی شد و در نهایت برای اعتبار گفته‌های پاسخگویان و اطلاعات جمع‌آوری‌شده، پرونده مددجویی آنها نیز واریسی شد.

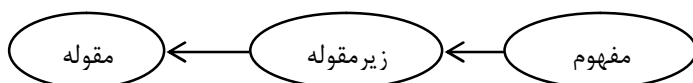
برای تحلیل داده‌ها از پدیدارشناسی با رویکرد کلایزی بهره گرفته شد. در پژوهش پدیدارشناسی، محقق تلاش می‌کند تا توصیفی ارائه دهد که هدفش، تشریح ماهیت پدیده مدنظر است. همچنین این توصیف در پی نشان دادن لایه‌های زیرین این تجربه‌هاست. محقق برای گردآوری چنین اطلاعاتی با افرادی که به طور مستقیم پدیده مدنظر را تجربه کرده‌اند، مصاحبه‌های عمیقی انجام می‌دهد، زیرا این افراد، تجربه زیسته دارند.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۱۵ نفر مصاحبه‌شونده، سن تعداد هفت نفر از آنها بین ۳۰ تا ۴۰، سه نفر بین ۴۰ تا ۵۰ سال و پنج نفر بالای ۵۰ سال است. همچنین مدت‌زمان حبس چهار نفر کمتر از ۲ سال، نه نفر بین ۲ تا ۴ و دو نفر بالای ۴ سال بود. سرانجام نوع جرم تعداد شش نفر از آنها مواد مخدر، چهار نفر رابطه نامشروع، دو نفر معاونت در قتل و سه نفر مالی کلاهبرداری بود.

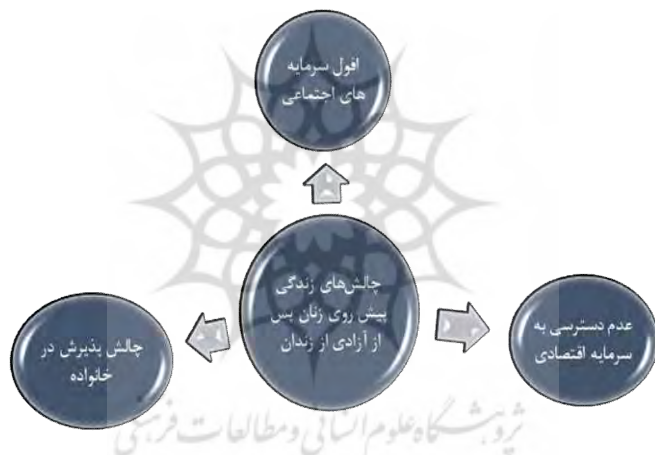
در تحقیق حاضر، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از فرایند زیر کدگذاری شد. بدین صورت که گزاره‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها به صورت کد تعریف شد و سپس این کدها به مفهوم تبدیل گردید. مفاهیم استخراج‌شده در قالب زیرمقوله‌ها

(تم‌ها) دسته‌بندی شد و در نهایت زیرمقوله‌های مرتبط ذیل مقوله‌های جداگانه طبقه‌بندی شد. لازم به ذکر است که برخی از مفاهیم، خود دارای زیرمفهوم‌هایی بودند که برای دقیق‌تر شدن جزئیات مؤلفه‌ها، ستون زیرمفهوم به فرایند دسته‌بندی اضافه شده است. همچنین فرایند کدگذاری کاملاً به صورت دستی انجام شده و کدهای مربوطه در یک فایل اکسل ذخیره و نگهداری شده است.



شکل ۱- سلسله‌مراتب استخراج کد و تبدیل به مفهوم، زیرمقوله و مقوله

چالش‌های پس از آزادی از زندان



شکل ۲- چالش‌های پس از آزادی از زندان

۱- چالش پذیرش در خانواده

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های اساسی زنان پس از آزادی از زندان، مواجهه با خانواده و ترس و نگرانی از نحوه برخورد آنهاست. اغلب زنان با سابقه، از زمان حبس در زندان، اطلاعات زیادی درباره واکنش خانواده در برابر جرم و زندانی شدن خود کسب می‌کنند و در اصل عکس‌العمل اعضای خانواده خود را در زمان خروج از زندان پیش‌بینی می‌کنند. با این حال همواره نگرانی وجود دارد که چگونه خانواده آنها در اولین برخورد پس از آزادی با آنها رفتار خواهند کرد. به همین دلیل، زنان

مصاحبه‌شونده، تجربه‌های متنوعی از برخورد خانواده با آنها را بیان می‌کنند که برخی از آنها به دوران حبس و دیدارهای زندان برمی‌گردد. زنانی که سابقه‌ای از ارتکاب جرایم نظیر مواد مخدر، سرقت، قتل و رابطه نامشروع دارند، بیشتر از مرتکبان جرایم مالی، تجربه طرد شدن از طرف خانواده دارند، هرچند در این زنان نیز طرد وجود دارد. خانمی ۵۳ ساله که بعد از یک سال و نیم حبس به جرم مالی و فروش مواد آزاد شده است، می‌گوید:

«بعد از زندان رفتن، متارکه کردم با همسرم. ضربه خیلی بزرگی خوردم آقای و... و آقای ب... هم میدونن. من واقعاً چی کار کنم توی این سن و سال برام سخته خیلی سخت. از یه طرف نیاز به کمک دارم. از دیدگاه اجتماعی نیاز به کمک دارم. هیچ‌کس هیچ قدمی برام برنداشته». یکی از مشکلات افراد، نپذیرفتن افراد درجه یک و خانواده زندانی در اجتماع بود. خانمی ۳۸ ساله با جرم رابطه نامشروع چک و مالی می‌گوید:

«خب بچه‌ام می‌خواد جایی بره سرکار، اطرافیان و دوستان و آشنایان بهش میگن مادرت زندان رفته. زندان رفتن من به خاطر چک بوده، حالا دی‌نفع نبودم. رو روحیه‌اش خیلی تأثیر گذاشته».

پذیرش و حمایت خانواده، نقش مهمی در فرایند بازسازی افراد داغ‌خورده دارد. به نظر گافمن، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های افراد داغ‌خورده، مربوط به مسئله پذیرش است. وی توضیح می‌دهد افرادی که با فرد داغ‌خورده در ارتباط هستند، اغلب نمی‌توانند به عنوان یک فرد باارزش و شایسته شناخته شوند و نیز فرد داغ‌خورده انتظار دارد که احترامی که به جنبه‌های سالم هویت اجتماعی خود می‌رساند، به او ارائه شود. در برخی موارد، فرد داغ‌خورده متوجه می‌شود که برخی از ویژگی‌های او باعث این وضعیت شده است. در این حالت، افراد به استراتژی‌های مختلفی در مقابل داغ‌زدانی بودن روی می‌آورند. برخی سعی می‌کنند تا با تلاش و کوشش بیشتر، مهارت‌هایی را که به نظر آنها غیر ممکن است، کسب کنند.

۲- افول سرمایه اجتماعی

حمایت خانوادگی، روابط دوستان و خویشاوندان و از دست دادن شبکه‌های ارتباطی

دوستانه و محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت در جامعه، از جمله سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی هستند که افراد ممکن است با ورود به زندان، آنها را از دست بدهند. چندین زن مصاحبه‌شونده تأیید کرده‌اند که پس از آزادی از زندان، کمتر در فضاهای عمومی و مهمانی‌های دوستانه شرکت کرده‌اند. برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار کردند که اعضای خانواده، به‌ویژه فرزندان، آنها را رد کرده‌اند که به نوعی موجب از دست رفتن سرمایه اجتماعی فرد می‌شود. خانمی چهل ساله با جرم مالی و چهار سال و نیم حبس می‌گوید:

«زندانی شدن من، رو خانواده و بچه‌ام تأثیر زیادی داشته. وقتی افتادم زندان، دخترم سه‌ونیم سال داشت. بعد من بیست ماه زندان بودم، نمی‌تونستم مرخصی بیام. بعضی اوقات پنج‌شنبه از پشت شیشه میدیدمش. کلاً با من سرد شده بود. نمی‌شناخت منو، بچه بود، تأثیر بدی داشت، از من خیلی دوری می‌کرد، غریبه بودم براش. با چند بار رفت‌وآمد تونست بهم اعتماد کنه».

همچنین خانم ۳۸ ساله با جرم رابطه نامشروع چک و مالی می‌گوید:

«خانواده اگه کمک کنند، که حمایت نمیشم از سمت خانواده. این چند سال خودم روی پای خودم وایستادم. فقط توی خونه مادرم دارم زندگی می‌کنم. این تنها کمکشون هست».

افراد خانواده یا اعضای جامعه در مواجهه با زنان سابقه‌دار ممکن است به تردید بیفتند؛ هرچند میزان آشکارسازی داغ ننگ زندان نیز در این ارتباط، نقش مهمی دارد. حفظ ارتباطات خانوادگی و اجتماعی و همچنین پذیرش و حمایت از زنان با سوابق قبلی می‌تواند نقش مهمی در موفقیت زنان در فرایند بازسازی ایفا کند.

۳- دسترسی نداشتن به سرمایه اقتصادی

تحلیل روایت‌های زنان آزادشده، نقش مهمی را برای سرمایه‌های اقتصادی در فرایند بازسازی بیان می‌کند. سرمایه‌های اقتصادی، یکی از عوامل اساسی در زندگی زنان باسابقه است که تأثیر آن در ابعاد و دوره‌های مختلف زندگی این زنان قابل مشاهده است. از یکسو، رویکردهای فمینیستی، تأثیر فروپاشی اجتماعی و اقتصادی بر زنان در

ارتکاب جرم را برجسته می‌کنند و از سوی دیگر، بررسی واقعیت‌های اجتماعی، علاوه بر نشان دادن تأثیر اقتصاد و عوامل اقتصادی بر نوع جرم می‌تواند تأثیر سرمایه‌های اقتصادی در روند حبس و بازسازی زندگی و بازگشت به جامعه را نشان دهد. داشتن سرمایه‌های اقتصادی برای زنان در فرایند بازسازی و دستیابی به موفقیت یا عدم موفقیت آنها، تأثیرگذار است. همچنین داشتن سرمایه اقتصادی می‌تواند در فرایند مثبت بازسازی تأثیرگذار باشد. این سرمایه ممکن است به طور مستقیم از طریق خود فرد یا از طریق خانواده و خویشاوندان به او ارائه شود.

خانمی چهل ساله با جرم مالی و چهار سال و نیم سابقه حبس می‌گوید:

«سال ۹۶ از زندان آزاد شدم. پیش دامادم در پرده‌سرا مشغول کار شدم. یک خیاط گرفت تا به من آموزش بده. من خودم تصمیم گرفتم، جلوی چشم بچه‌م بودم. شوهرم از من جدا شد. سرپرست خودم و بچه‌م شدم. یک وام سه تومن گرفتم. خونه اجاره کردم. یکم وسیله گرفتم. دخترم دید من تلاش می‌کنم. قبلش یا خونه مادرم یا خونه خواهرم بود. آواره بود. این باعث شد دید دخترم عوض بشه. کلاس زبان فرستادمش. اولویت دخترم بود. از شوهرم تفاهمی جدا شدم».

از طرف دیگر، از دست دادن سرمایه‌های اقتصادی و یا نداشتن آنها در فرایند بازسازی زندگی برای بسیاری از زنان چالش‌برانگیز است و ممکن است در فرایند بازگشت به جامعه، تبعاتی را به همراه داشته باشد. خانمی ۳۱ ساله با جرم قتل غیر عمد با حدود دو سال سابقه زندان می‌گوید:

«زندانی‌ها رو رها می‌کردن. الان هم اومدم حمایت بشم، باید یه ضامن داشته باشم. خودتون می‌دونید کسی به زندانی جماعت اعتماد نمی‌کنه، اگه که خصوصاً یه زن باشه. من چون خانم هستم خیلی می‌پیچوندن درخواست‌های بیجا دارن اینکه حمایت کنن خیلی از زندانی‌ها بودن آزاد میشدن از زندان نه جایی داشتن برن نه مکانی که زندگی کنند».

خانم ۵۵ ساله با سابقه دو سال حبس به جرم مالی - کلاهبرداری درباره وجود مراکز حمایت‌کننده پس از زندان می‌گوید:

«مرکز خدمات، کمیته اینا کمک می‌کنن، اما جای دیگه کمک اصلاً نمی‌کنن. کمیته امداد و مرکز مراقبت».

بنابراین توجه به ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی زنان و قابلیت‌های مالی آنها، علاوه بر توجه به سایر نیازهای مادی و روحی آنها در فرایند بازسازی، ضروری و اساسی است و می‌تواند نقش مؤثری در اتصال آنها به جامعه ایفا نماید.

چالش در جلب حمایت‌های اجتماعی پس از آزادی



شکل ۳- چالش‌های مربوط به جلب حمایت اجتماعی

۱- چالش اشتغال و درآمدزایی

نداشتن شغل و ناتوانی مالی در تأمین معاش، به‌ویژه برای زنان باسابقه که از خانواده خارج شده‌اند، می‌تواند آسیب‌زا باشد و منجر به افزایش انحرافات و مشکلات اجتماعی و بازگشت به زندان شود. همچنین نداشتن توانایی مالی می‌تواند زمینه وابستگی و احساس بار و نداشتن استقلال را در زنان باسابقه ایجاد کند. این شرایط می‌تواند پیامدهای جسمانی و روانی را نیز به همراه داشته باشد. همچنین زنانی که مسئولیت تربیت و مراقبت از فرزند یا فرزندان خود را بدون همسر برعهده دارند و قصد ادامه زندگی و تربیت فرزند را دارند، بیشتر از سایر زنان، مشکلات اشتغال و نیازهای شغلی خود را بیان می‌کنند.

خانم ۴۲ ساله با یک سال و شش ماه حبس و جرم معاونت در قتل و رابطه نامشروع می‌گوید:

«باغ میرم، خونه میرم، توی ساندویچ‌فروشی کار کردم. یه کیلو گوجه و سیب‌زمینی می‌گیرم، میرم خونه برا بچه درست می‌کنم. کار که می‌کنم، یه پول دستم میاد برا بچه‌ها خرج می‌کنم. الان چهار تا پنج ماه یخچال خانه خرابه، هر دفعه ۴۰۰ یا ۵۰۰ خرج می‌کنم، درست نمیشه؛ تعمیرکار میگه باید موتورش عوض بشه. تحت پوشش کمیته هستم. رفتم عدالت ۸ شالی کوبی میگم بهم وام بدید، میگن اسمتون رو نوشتیم. الان یک‌ساله خبری نیست».

همچنین افرادی هستند که هنوز نتوانسته‌اند منبع درآمدی داشته باشند و مشکلات مربوط به خودشان را دارند. برای مثال خانم ۵۳ ساله با دو سال حبس و جرم بدهکاری مالی سفته بیان می‌دارد:

«بیکار هستم. چی بگم با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنم. مراجعه کردم وام

بگیرم به یه زخمی بزنم، منبع درآمدی بشه، خیلی وقته منتظر وام هستم».

همچنین افرادی هم بودند که هنوز از حمایت سازمان خاصی برخوردار نشده بودند. برای نمونه خانم ۵۳ ساله با یک سال و نیم حبس و جرم مالی و فروش مواد می‌گوید:

«نه اصلاً نیست، آقای و... فقط دو تا بسته حمایتی دادن، دیگه هیچی».

تحقیقات انجام‌شده در حوزه بازسازی زندگی پس از زندان و بازگشت به جامعه نیز به نقش و اهمیت مقوله درآمد و وضعیت اشتغال زنان مجرم پس از آزادی از زندان، به عنوان عاملی کلیدی توجه داشته‌اند. تأمین نشدن شغل و فقدان درآمد، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های موجود در زندگی زنان مجرم پس از آزادی از زندان است که می‌تواند در کسب موفقیت و یا عدم توفیق در بازسازی، نقش مؤثری ایفا کند (ر.ک: O'Brien et al, 2014).

۲- چالش در جذب حمایت اجتماعی رسمی

در بسیاری از کشورها برای حمایت و تنظیم وضعیت زنان مجرم و زنان باسابقه پس از آزادی از زندان، برنامه‌های حمایتی و خدمات ویژه‌ای را نهادها و سازمان‌های مختلف ارائه می‌کنند که نقش مهمی در بازسازی زندگی و بازگشت آنها به جامعه دارند. زنان مصاحبه‌شونده از اهمیت ارائه خدمات و حمایت‌های اجتماعی آگاهی داشتند و یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های آنها از دولت و قوه قضاییه است. آنها به نهادهایی مانند بهزیستی، کمیته امداد و مرکز مراقبت پس از آزادی به عنوان سازمان‌های اصلی که به

آنها مراجعه کرده و از آنها کمک و حمایت انتظار دارند، اشاره می‌کنند. در ایران تلاش می‌شود تا با ارائه خدمات و حمایت‌های اجتماعی، زنان مجرم و باسابقه پس از آزادی از زندان بتوانند بهبودی یابند و به جامعه بازگردند. این خدمات و برنامه‌ها شامل مشاوره روان‌شناختی، آموزش مهارت‌های شغلی، پشتیبانی در جست‌وجوی کار، مسکن و محل اقامت، حمایت مالی و سایر امکاناتی است که به زنان مجرم کمک می‌کند تا به زندگی معمولی بازگردند.

خانم ۴۲ ساله با یک سال و ۶ ماه حبس و جرم معاونت در قتل و رابطه نامشروع می‌گوید:

«هم تحت پوشش کمیته هستم، اینجا هم وام می‌گیرم. فقط کمیته الان اولین باره برای وام اومدم اینجا».

خانم سی ساله، با جرم مواد و رابطه نامشروع می‌گوید:

«از حمایت انجمن حمایت از زندانیان راضی هستم. برای وام اینجا اومدم تا یه کاری رو شروع کنم. شغل داشته باشم. درخواست دادم الان».

وجود ارزیابی شرایط و موقعیت‌های اجتماعی زنان زندانی می‌تواند بهبود قابل توجهی در موضوع حمایت و خدمات ارائه‌شده به آنان ایجاد کند. با انجام یک ارزیابی دقیق می‌توان نیازها و مشکلات زنان زندانی را به‌خوبی شناسایی کرده، برنامه‌های حمایتی مناسبی برای آنان طراحی کرد.

۳- سرزنش و تحقیر

سرزنش و تحقیر، از جمله مشکلاتی است که زنان پس از آزادی از زندان با آن مواجه می‌شوند و آن را عاملی برای بروز بیماری‌های روانی مانند افسردگی، انزوا و تمایل به دوری از خانواده و دوستان می‌دانند. گاهی این سرزنش‌ها به‌طور گسترده‌ای رخ می‌دهد و شخص خود را نیز ناعادلانه مورد سرزنش و سرکوب قرار می‌دهد و بیش از بقیه، خودش را سرزنش می‌کند.

خانم سی ساله با جرم مواد و رابطه نامشروع می‌گوید: «به چشم بد نگاه می‌کردن، موادفروش، قاچاقچی».

خانم ۴۲ ساله با جرم معاونت در قتل و رابطه نامشروع می‌گوید:

«مردم کلی حرف می‌زدن پیش خودشون. بچه‌ها و خانواده، خودشون می‌فهمیدند. من الان سردرد می‌گیرم، بچه‌ها خودشون می‌فهمند. اطرافیان با دید حقارت و دلسوزی نگاهشون بود. نگاه بدی بود. آدم خجالت می‌کشید توی اون مکان باشه. سلام می‌دادند جلوی رو، اما پشت سر صحبت می‌کردند این زنه زندان بود، شوهرش چیکار می‌کنه».

در برخی موارد، سرزنش و تحقیر فرد زندانی به خارج از حیطه شخصی او گسترش می‌یابد و شامل اعضای خانواده آن فرد می‌شود که این مسئله می‌تواند تأثیراتی روی شبکه‌های اجتماعی و روابط خانوادگی داشته باشد. همان‌طور که برخی از مصاحبه‌شوندگان آن را بیان کردند. خانم ۴۸ ساله با جرم فروش مواد مخدر بیان می‌دارد:

«اطرافیان به بچه سرکوفت زدند و شوهر رو وسوسه نکنند، نگن بهش همسرت زندان بوده که اگه زنت خوب بود، زندان نمی‌رفت».

تجربه بازسازی زندگی پس از زندان



شکل ۴- تجربه بازسازی زندگی از زندان

۱- بحران مسکن و استقلال مکانی

یکی از نیازهای مهم زنان پس از آزادی از زندان، یافتن مکانی مناسب برای اسکان است. این نیاز می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر در فرایند توانمندسازی و بازسازی زندگی پس از زندان مطرح شود. برخی از زنان سابقه‌دار آشکار کرده‌اند که تأمین مسکن مناسب برای خود، یکی از اهداف اصلی در فرایند بازسازی زندگی آنهاست. آنها معتقدند

که مسکن، وسیله‌ای است که به آنها کمک می‌کند تا آرامش و استقلال به دست آورند. بنابراین مسکن به عنوان یک ابزار و امکانی بااهمیت، نقش زیادی در دستیابی به جوانب ذهنی و عملی از بازسازی زندگی آنها ایفا می‌کند. خانم چهل ساله با جرم مالی می‌گوید:

«اوایل با خواهر و شوهر خواهرم، الان با دخترم زندگی می‌کنم. خودم خونه

گرفتم، الان پنج سال هست. خونه اجاره کردم. خدارو شکر بد نیست».

برای برخی از زنان مصاحبه‌شونده، زندگی در کنار خانواده‌شان، تجربه‌ای سخت و دردناک محسوب می‌شود. علت اصلی این وضعیت، شنیدن سرزنش‌ها، سرکوب‌های مداوم و از بین رفتن آرامش آنهاست. در حالی که شرایط و تجربه زندگی آنها ممکن است نیازمند زندگی در محیطی آرام و بدون نگرانی‌های نامربوط باشد. از طرف دیگر، برای برخی از مصاحبه‌شوندگان که مجبور به زندگی با دوستان یا خانواده خود هستند، احساس سنگینی و بار زیاد، منجر به کاهش رضایت از خود و زندگی می‌شود و سطح کیفیت زندگی آنها را کاهش می‌دهد.

خانمی سی ساله با جرم مواد و رابطه نامشروع می‌گوید:

«بعد از آزادی با مادرم، توی خونه برادرم هستم. وضعیت فعلی ما خوب

نیست. ناجور، وسیله خونه هیچی ندارم».

برای بسیاری از زنان سابقه‌دار، داشتن مسکن مستقل، امری حیاتی بوده، نقش مؤثری بر سلامت جسمی و روانی این افراد و همچنین دستیابی به موفقیت در فرایند بازسازی زندگی آنها دارد.

۲- ارتکاب مجدد جرم

یکی از تأثیراتی که زندان بر زندانیان دارد، مربوط به آموزش، یادگیری بزهکاری و تکرار بزهکاری است. این مشکل باعث می‌شود که بسیاری از زنان متجاوز در طول دوره حبس، در گروه‌ها و باندهای جنایتکاری درون زندان جذب شوند و در معرض سبک زندگی جنایتکارانه قرار بگیرند. برخی افراد به دلیل حمایت نشدن از طرف خانواده یا همسران خود یا به دلیل ناتوانی در بازگشت به جامعه و یا به دست آوردن موفقیت پس از آزادی از زندان، مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند. خانم ۵۵ ساله با دو سال حبس و جرم مالی کلاهبرداری می‌گوید:

«حتماً می‌گن حالا که افتادیم زندان، زندان این انگ رو بهمون زدن. مرز خط قرمز گذشتن. آب که از سر گذشت، چه یه سر، چه صد سر».

خانم ۴۲ ساله با جرم معاونت در قتل و رابطه نامشروع می‌گوید: «نداری، شکست عاطفی و روانی به خاطر بچه‌ها».

۳- تحولات درونی و پشیمانی

تحولات درونی و احساس پشیمانی از اعمال گذشته، از مهم‌ترین عواملی است که در تشکیل تعاملات، استراتژی‌های کنش، واکنش و بازسازی زندگی پس از زندان، تأثیرگذار است. زنانی که ابراز پشیمانی کرده، در عین حال تمایل به تغییر رویه زندگی و دوری از جرم و همچنین جدایی از افراد مؤثر در اعمال مجرمانه دارند، در مقایسه با افرادی که نسبت به اعمال گذشته، احساس پشیمانی ندارند یا حس انتقام دارند، بیشتر در مسیر بازسازی زندگی قرار می‌گیرند و تحمل کمتری از فشار عصبی و افسردگی نیز دارند.

خانم چهل ساله با چهار سال و نیم حبس و جرم مالی می‌گوید:

«در حال حاضر تحمل می‌کنم، چاره‌ای ندارم می‌گذره. یه دوره بود می‌خواستم خودمو و دخترم رو بکشم؛ رفتم مشاوره، بخیر گذشت».

خانم ۵۳ ساله با دو سال حبس و جرم بدهکاری مالی سفته بیان می‌دارد:

«من همیشه افسوس می‌خوردم به حالشون. گریه می‌کردم، خدا آبرو هیچ‌کس رو نبره. خودمو سرزنش می‌کردم. حسی نسبت به خودم ندارم. بله، همیشه راستی و صداقت بوده که باعث رضایت شده».

زنانی که همواره در موقعیت حاشا و عدم پذیرش تقصیر خود قرار می‌گیرند، کمتر قادرند زندگی خود را بازسازی کنند. در عوض، زنانی که از خطاهای خود پشیمانی نشان می‌دهند، فرصت بیشتری در بازسازی زندگی خود دارند. گسترش روابط اجتماعی و حضور در شبکه‌های اجتماعی اهمیت دارد، اما برای زنانی که می‌خواهند از جرم دوری کنند، کافی نیست. زنان نیازمند تغییرات درونی، تحولات فکری و اعتقادی هستند. هر فرد دارای تصورات، آگاهی‌ها، شناخت‌ها و انگیزه‌های درونی است که بر تصمیم‌گیری و اقداماتش تأثیر می‌گذارد. زنانی که سابقه جرم دارند، نیازمند تحولات فکری و فرایندهای ذهنی هستند که در تغییر هویتشان به عنوان فردی مجرم تأثیرگذار بوده است.

طبق نتایج، زندان به عنوان عاملی بیدارکننده و آگاهی‌بخش، دیدگاه واقع‌بینانه‌ای از عواقب و تبعات جرم به آنها ارائه کرده است. آنها معتقدند که هیچ‌چیزی بالاتر از از دست دادن آزادی نیست و ترس از دست دادن خانواده و حمایت آنها، اساس بازگشت از رفتارهای جنایتکارانه را تشکیل می‌دهد. بسیاری از زنان معتقدند که زندان به آنها فرصتی می‌دهد تا رفتار گذشته خود را ارزیابی کنند.

مواجهه و مدیریت چالش‌های پس از حبس



شکل ۵- نحوه مواجهه و مدیریت چالش‌های پس از حبس

۱- قطع شبکه‌های جرم‌زا و خلق و جایگزینی شبکه‌های جدید

قطع شبکه‌های جرم‌زا و دوری از آن، یکی از تبعات مثبت حبس از نگاه مصاحبه‌شوندگان است. برخی از پاسخگویان با خلق و جایگزینی شبکه‌های جدید، در روند مثبت بازسازی زندگی و بازگشت به جامعه گام برداشتند. زنان سابقه‌داری که سعی در بازگشت به جامعه دارند، در سطح مقدماتی، این فرایند را از زندان آغاز می‌کنند. آنها از این گفتمان که «سرت تو لاک خودت باشه» تبعیت می‌کردند. ادامه این فرایند در جهان اجتماعی و عرصه‌های عمومی می‌تواند در سطحی کلان و در گسترش تعاملات خانوادگی و یا شبکه‌های جدید روابط و در نهایت فعالیت‌های روزانه و کار شکل گیرد.

خانم ۵۳ ساله با جرم بدهکاری مالی سفته بیان می‌دارد:

«به دوستان، فرزندان، آشنایان توصیه‌ای می‌کنم، هیچ‌وقت سفته امضا

نکن. به روش‌های مسالمت‌آمیز، موضوع رو حل کنن تا دچار سوءاستفاده

قرار نگیرند».

خانم ۳۵ ساله با جرم مالی و سه سال حبس در خانه عفاف می‌گوید:
«کاری نکنید که بخواید دیه بدید. به خاطر جرمش و به خاطر محیطش،
چون از اجتماع دور میشه. خواهر و دوستم بدونن رفتم زندان شاید چند
مشتری بهش بگن. مشخص نیست. جرأت نمی‌کنم کسی بفهمه. یه وام
بگیرم، یه دفتری بزنم توی استان، نفر اول بودم، دفتر ماساژ داشتم».

جدا شدن از شبکه‌های منفی و مخرب گذشته و برقراری ارتباط با شبکه‌های مثبت
و حمایت‌کننده، مانند دوستان، خانواده، گروه‌های ورزشی و هنری می‌تواند امکان
دسترسی به منابع و فرصت‌های اجتماعی مورد نیاز برای بازسازی را افزایش دهد.
بنابراین برخی زنان پس از آزادی از زندان، فرصتی برای افزایش ارتباطات با خانواده و
خویشاوندان نزدیک را دارند. این ارتباطات می‌تواند گستره خدمات و حمایت‌های مورد
نیاز پس از آزادی را برای زنان فراهم کند. برای بسیاری از زنان زندانی، کار و تلاش،
همراه با پشیمانی از گذشته و حمایت خانوادگی و اجتماعی، در فرایند بازسازی، نقش
مهمی دارد و می‌تواند سازنده و باعث پیشرفت باشد. برخی از زنان، هم در زمان زندان و
هم پس از آزادی، با قطع ارتباط با شبکه‌های ارتباطی منجر به جرم و دوری از زندانیان
دیگر و جایگزینی آن با فعالیت‌های مثبت مانند عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های
اجتماعی، شرکت در کلاس‌های آموزشی و حرفه آموزشی، جلسات قرآن و جلسات NA،
گام‌های مؤثری در ترک و دوری از جرم و بازسازی زندگی برمی‌دارند. زنانی که موفق به
بازسازی شدند، عموماً ارتباطات خود با زندانیان دیگر را قطع کردند.

۲- دوباره به زندان راه نیافتن

نظرهای زنان پس از آزادی درباره برنگشتن به زندان ممکن است متفاوت باشد. هر
زن زندانی ممکن است تجربه و دیدگاه شخصی خود را داشته باشد. با این حال برخی
عوامل مانند حمایت اجتماعی، توسعه مهارت‌های اجتماعی و شغلی، حل مشکلات مالی
و اقتصادی و مراقبت پزشکی و سلامت روانی به عنوان عوامل مؤثر در پیشگیری از
بازگشت به زندان برای زنان پس از آزادی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

خانم ۴۲ ساله با جرم معاونت در قتل و رابطه نامشروع می‌گوید:

«کار می‌کنم، سرم به کار خودمه. فکر هیچ خلافی رو نمی‌کنم که باعث

بشه برم زندان».

خانم چهل ساله با جرم مالی می‌گوید:

«عدم اعتماد. حتی در داخل هستی، همه جرم‌ها رو می‌بینی. از رفیق زخم خوردن. به همه اعتماد می‌کردم. الان دیگه باور نمی‌کنم، حتی اعضای خانواده. اعتماد از دست رفته. به همه اعتماد داشتم. چشم بسته قبول می‌کردم. الان چشمام باز شده. تحقیق می‌کنم. مهمونی بخوام برم، دیگه نمی‌رم».

هر زن زندانی ممکن است نیازها و تجربه‌های خود را داشته باشد. بیشتر افراد توافق داشتند که داشتن دسترسی به خدمات مراقبت پزشکی و حمایت روانی پس از آزادی می‌تواند به زنان زندانی کمک کند تا بهبود یابند و با مشکلات روانی، اعتیاد و سایر مشکلات مقابله کنند.

۳- موفقیت و کاهش مشکلات ایجادشده پس از آزادی از زندان

برخی از زندانیان به دنبال تغییر و تحول درونی، جهت‌گیری‌های مذهبی و در نهایت احساس پشیمانی از اعمال گذشته خود هستند. آنها تمایل شدیدی به دوری از جرم و بازگشت به زندگی اجتماعی دارند. این مرحله، اولیه فرایند بازسازی است و در واقع بازسازی اولیه برای این دسته از زنان در زندان آغاز می‌شود.

خانم ۵۵ ساله با جرم مالی کلاهبرداری می‌گوید:

«انشا... موفق می‌شم، اگه کمکی بشه. وام می‌گیرم، کارم رو گسترش بدم. جبران می‌کنم، صمیمیت بین من و بچه‌هام بیشتر بشه، کنار خودم هستن. خدا رو شکر پیش خودم هستن».

خانم ۳۸ ساله با جرم رابطه نامشروع چک و مالی می‌گوید:

«هر کاری که بتونم برای بچه‌هام انجام میدم. از لحاظ مالی بتونم کمک و راهنمایی می‌کنم و چه از لحاظ روحی. سعی و تلاش می‌کنم. باز هم حمایت لازم دارم. سعی می‌کنم کارم رو گسترش بدم که دوباره دچار مشکل نشم. اگه حمایت بشم، برام خیلی مهمه».

زنان زندانی با ورود به زندان، فصل جدیدی از زندگی خود را آغاز می‌کنند که تعاملات و عملکرد آنها در این دوره، نقش مؤثری در مراحل بعدی زندگی‌شان دارد. این دوره

می‌تواند آغازگر فرایند اولیه بازسازی باشد. برخی از زندانیان تحت تأثیر تبعات مثبت حبس قرار می‌گیرند؛ مانند دسترسی به فرصت‌های دوری از جرم، قطع شبکه‌های ارتباطی جنایت، دوری از افرادی که در مرتکب شدن جرم نقش داشته‌اند، احساس پیشیمانی و پذیرش مسئولیت، آگاهی و بیداری درباره اعمال گذشته، شرکت در کلاس‌های آموزشی و بهبود مهارت‌ها، حضور در جلسات آموزشی، عدم تأثیرگذاری از زندانیان مختلف و... به نوعی در مسیر بازسازی قرار می‌گیرند که موفقیت در این مرحله می‌تواند بستری برای دستیابی به موفقیت در مرحله پس از آزادی و بازگشت به جامعه باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، خط سیر زندگی زنان آزادشده از زندان تحلیل شد. خط سیر، روایتی از زندگی افراد است که می‌توان بر اساس آن، مراحل و فرایند بازسازی را شناسایی کرد. استفاده از مصاحبه‌های روایتی عمیق و ترسیم خط زندگی برای مصاحبه‌شوندگان، به عنوان روشی برای بررسی عمیق‌تر رویدادهای بحرانی در زندگی، آغاز یا ادامه جرم و همچنین بازگشت به جامعه و زندگی پس از زندان استفاده می‌شود. میانگین سن زنان مصاحبه‌شونده در زمان مصاحبه، چهل سال بود و بیش از شصت درصد آنها بین دو تا چهار سال را در زندان سپری کرده بودند.

مصاحبه‌شوندگان به جرم فروش و حمل مواد مخدر، رابطه نامشروع، جرایم مالی نظیر صدور چک یا سفته بلامحل و چک ضمانت، کلاهبرداری و سرقت به زندان افتاده و تعدادی از آنها، مرتکب جرایم خشن نظیر معاونت در قتل شده‌اند.

یافته‌ها نشان داد که بسیاری از مشکلات زنان آزادشده به خانواده و سابقه مجرمیت خانواده زنان برمی‌گردد که این یافته با یافته‌های صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۹۶) همخوانی دارد. با این حال تأثیر این بخش از زندگی و تجربه‌های زنان در دوران مجرمیت به گونه‌ای است که علاوه بر ایجاد زمینه‌های ارتکاب جرم، می‌توان اثرات آن را در دوران پس از زندان و گذشت سال‌های متمادی مورد مطالعه قرار داد. برای مثال، بازگشت فرد زندانی به خانواده‌ای که خود مجرم هستند یا اعتیاد دارند، شرایط بازسازی را دشوار می‌کند و ممکن است فرد را به سوی تکرار جرم سوق دهد. زنان، بسته به نوع جرم، شرایط خاص و منحصر به فردی را برای ارتکاب جرم توضیح می‌دهند. این در حالی

است که بیشتر افراد مجرم، مواد مخدر، فقر، ناآگاهی از شدت مجازات را عوامل اصلی ارتکاب جرم خود می‌شناسند.

زندگی در زندان، تبعات مثبت و منفی بسیاری دارد. پیامدهای منفی از قبیل از دست دادن اعتبار و آبرو، ایجاد حس انتقام و کینه، طرد اجتماعی، آموزش و یادگیری بزهکاری، افزایش فعالیت‌های خلاف و کیفری، از دست دادن شغل و مشکلات مالی و در نهایت از هم پاشیدگی خانواده و جدایی از فرزندان است. زنان مصاحبه‌شونده معتقدند که حبس منجر به دوری از عوامل جرم‌زا مانند جدایی از همسر، دوستان و یا والدین و اطرافیان بزهکار شده است. بنابراین برخی از زنان پس از ورود به زندان تصمیم به قطع رابطه با همسر یا شریک زندگی خود می‌گیرند؛ زیرا در طول حبس به این نتیجه رسیده‌اند که همسرانشان، نقش مؤثری در بروز مشکلات زندگی و وارد شدن به زندان داشته‌اند. در بسیاری از موارد، همسر یا شریک زندگی زن، نقش مؤثری در تحریک، متقاعد کردن و یا همراه کردن آنها در ارتکاب جرم داشته است؛ مانند ایجاد فضای ناامن در خانه با اعمال خشونت‌آمیز، توهین و تهدید به خشونت و ایجاد ترس به منظور پنهان کردن فعالیت‌های خلافکارانه همسر. از سوی دیگر، پذیرش تقصیر در ارتکاب جرم می‌تواند نقش مؤثری در فرایند بازسازی و موفقیت در زندگی و کاهش اثرات حبس ایفا کند. تجربه‌های زنان در زندان و تأثیر آن بر فرایند بازسازی زندگی پس از آزادی نشان می‌دهد که زندگی در زندان و ارتباط با زندانیان می‌تواند نقش مهمی در بازسازی زندگی پس از آزادی ایفا کند.

موسوی تبار و موسوی تبار (۱۴۰۱) نیز بیان داشتند که زندان می‌تواند باعث دوری از جرم و جامعه جرم‌زا در زندانیان شود، ولی ممکن است زمینه‌ساز گسترش بدرفتاری و جرم در آنان باشد. علاوه بر این داغ ننگ (طبق نظریه داغ ننگ گافمن) و تجربه حضور در زندان می‌تواند در زنان، احساس شرمندگی به وجود آورده، باعث دوری آنها از جرم و انزوای آنها از شبکه‌های جرم‌زا و حتی قطع ارتباطات خانوادگی شود که در مجرمیت آنها نقش مهمی داشته است (ر.ک: ذبیح‌نیا، ۱۴۰۱). به همین دلیل، همراه با احساس شرمندگی و پشیمانی، پذیرش مسئولیت از جمله عواملی است که می‌تواند با تقویت خودکنترل مؤثر، در افزایش پیشگیری از جرم تأثیرگذار باشد.

چالش‌های زندگی پس از زندان که ممکن است مانع موفقیت آنها در فرایند بازسازی شده بود، شامل پذیرش و اتصال به خانواده، بازخوردهای زندان و ارتباطات اجتماعی، حس ننگ و خودخوری، سرزنش و تحقیر، احساس تنهایی، حس محرومیت و عقب‌ماندگی، از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی، سابقه ننگین و سابقه بد، کنترل و نظارت زیاد و در نهایت تقدیرگرایی، به عنوان اساسی‌ترین چالش‌های زندگی زنان پس از زندان محسوب می‌شود. ترس از پذیرش نشدن از طرف خانواده و جدایی از شبکه‌های خانوادگی، از مهم‌ترین چالش‌های زنان پس از آزادی است و معمولاً در آخرین روزهای حبس، تشدید می‌شود. به باور صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۹۶) نیز بسیاری از این زنان، در زمینه مسائلی مانند پذیرش در خانواده و اتصال به شبکه‌های اجتماعی با چالش مواجه‌اند. زنان زندانی با این مسئله آشنا هستند که به دلیل پشتیبانی نکردن خانواده و طرد شدن از خانواده ممکن است با مشکلات مالی، اقتصادی و محل اقامت نیز مواجه شوند. پذیرش و اتصال فرد پس از زندان، به بازخوردهای زندانی شدن در خانواده و جامعه و همچنین حسن اعتماد، اعتبار و مهلت اجتماعی که فرد قبل از زندان داشته است و یا پس از آزادی می‌تواند از طریق ایجاد اعتماد برای خود به دست آورد، وابسته است. در واقع زنان زندانی‌ای که سرمایه‌های اجتماعی بیشتری دارند، احتمال بازگشت موفقیت‌آمیز به جامعه را بیشتر دارند.

همسو با یافته‌های گودرزی (۱۴۰۰)، یکی دیگر از مشکلات پیش روی زنان آزادشده، تأمین نشدن معاش و مشکلات اقتصادی است که می‌تواند آنها را در معرض آسیب‌پذیری بیشتر قرار دهد. برای زنانی که به عنوان سرپرست خانوار عمل می‌کنند، دستیابی به شغل و درآمد، امری حیاتی است و فقدان آن می‌تواند هر لحظه خطر بیشتری برای لغزش و ناپایداری اجتماعی ایجاد کند. طرد از محیط کار، دریافت نکردن حمایت اجتماعی و دسترسی محدود به فرصت‌های شغلی ایمن باعث می‌شود که زنان همواره با چالش‌های جدی روبه‌رو شوند و این موضوع، احتمال ارتکاب مجدد جرم را افزایش می‌دهد. در حالی که برخی زنان زندانی تمایل دارند تا در خانواده پذیرفته شوند، زنان دیگری نیز وجود دارند که به دلیل سابقه ناخوشایند خانوادگی، مشکلات و مسائل خانوادگی و ناهماهنگی‌های آن، نگران بازگشت به خانواده و برخورد با جرم هستند.

جدا شدن از شبکه‌های جرمی و ارتباط با شبکه‌های جایگزین و ایجاد روابط جدید می‌تواند اولین قدم در راه بازسازی زندگی پس از زندان باشد. میزان ناشناختگی و ناشناسی زنان زندانی در شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های خانوادگی و همسایگی‌ای که در آن عضویت داشته یا دارند، در صورت افزایش ممکن است احتمال موفقیت آنها را نیز بیشتر کند. در عین حال آشکار شدن سابقه جرم و تغییر نگاه جامعه به آن می‌تواند به یکی از مهم‌ترین موانع در بازسازی زندگی زنان تبدیل شود که ارتباط چندانی با نوع جرم و سابقه ندارد. به همین دلیل، یکی از استراتژی‌های مهم زنان، مدیریت ناشناسی و فاش نکردن سابقه جرمی و ناشناسی است. گافمن این فرایند راهبردی را «درپوش‌گذاری نام» نامیده است.

همچنین یکی از عوامل مهم برای پیوند زنان به خانواده و جامعه پس از زندان، مادری و مسئولیت‌های ناشی از آن است. همسو با مطالعه صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۹۳)، زنان مجرمی که مسئولیت نگهداری از فرزندان خود را دارند، تلاش می‌کنند تا از بازگشت به زندان و دوری مجدد از فرزندانشان جلوگیری کنند. با این حال در برخی موارد، زنان ممکن است به دلیل مشکلات اقتصادی و تأمین معیشت فرزندان، برخلاف تمایل خود مجبور به ارتکاب جرم شوند.

به علاوه بهره‌مندی زنان از سرمایه‌های نمادین، به‌ویژه دسترسی آنها به سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی، نقش مهمی در فرایند بازسازی و تحقق اهدافشان ایفا می‌کند. این امر می‌تواند میزان موفقیت زنان را افزایش دهد. از این‌رو دستیابی افراد به سرمایه‌های اجتماعی، به‌ویژه عضویت در شبکه‌های اجتماعی و ایجاد روابط اجتماعی می‌تواند زمینه مناسبی را برای بازگشت زنان به جامعه فراهم کند. روابط اجتماعی، منبعی اساسی بوده، به زنان کمک می‌کند تا زندگی نسبتاً مستقلی را ایجاد کنند و به بهبود شرایط فردی خود بپردازند. از این‌رو تعاملات اجتماعی در سطوح فردی و اجتماعی، به عنوان سرمایه اجتماعی تجسم می‌یابد. زنان آزادشده، زندان را مجازات مناسبی برای خود نمی‌دیدند و اعتقاد دارند که زندان، به شیوه مرسوم خود، نه‌تنها باعث پیشگیری از جرم نمی‌شود، بلکه بیشتر منجر به فروپاشی خانواده، سرشکستگی و ضربه‌های روحی و روانی به زندانی می‌شود. این باعث فروپاشی قبح بزهکاری، آموزش و یادگیری خلاف و شیوه‌های دیگر بزهکاری و در نهایت تکرار و تجدید جرم می‌شود.

پیشنهادهای کاربردی

نبود قوانین حمایتی جامع از آسیب‌دیدگان اجتماعی و بی‌توجهی به ارائه برنامه‌های حمایتی جنسیت‌محور، نبود بانک اطلاعاتی آسیب‌دیدگان و قوانین متضاد و یا سخت‌گیرانه در برخورد با زنان، در افزایش آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه در ارتباط با زنان سابقه‌دار مؤثر است.

ارزیابی شرایط و موقعیت‌های اجتماعی زنان زندانی می‌تواند به سازمان‌های حامی کمک کند تا برنامه‌ها و خدمات خود را بهبود بخشند و بهترین راهکارها را برای حمایت و بازسازی زنان زندانی ارائه دهند.

تأسیس مراکزی برای رسیدگی به وضعیت آسیب‌دیدگان ناشی از خشونت، ارائه خدمات مشاوره به خانواده‌های زندانیان و معتادان با هدف حل مسائل، برگزاری کلاس‌ها و جلسات آموزشی و پرورشی با تمرکز بر آموزش مهارت‌های زندگی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و استفاده از ظرفیت خیران و کمک‌های مردمی راهی برای اصلاح مددجویان و حل مشکلات آنهاست.

برگزاری جلسه‌های مشاوره و مددکاری در روزهای پایانی قبل از آزادی به منظور آماده‌سازی زنان برای بازگشت به جامعه، به‌ویژه زنانی که مدت طولانی در زندان بوده‌اند، ارائه خدمات فوری بلافاصله پس از آزادی به زنان نیازمند، برقراری ارتباط با خانواده در روزهای پایانی حبس، به منظور آماده‌سازی آنها برای پذیرش این زنان در میان مدت نیز می‌توان برنامه‌های حمایتی و درمانی برای کمک به بازسازی زندگی پس از آزادی ارائه نمود. اقداماتی همچون پیگیری دوره‌ای وضعیت زنان پس از آزادی، برگزاری جلسه‌های مشاوره و مددکاری برای خانواده‌ها به منظور خانواده‌درمانی و کاهش مسائل اجتماعی و اقتصادی، برگزاری جلسه‌های گروهی برای به اشتراک‌گذاری تجربه‌های سایر زنان، به‌ویژه زنان موفق در تعاملات اجتماعی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی، فراهم کردن زمینه‌های اشتغال برای تأمین درآمد، توجه به مسکن پایدار برای زنان و کاهش وابستگی آنها به خانواده، تقویت مهارت‌ها و توانمندی‌های زنان به منظور ارتقای شغلی، حمایت از کارفرمایان و کارآفرینانی که فرصت‌های اشتغال را برای این زنان فراهم می‌کنند و درمان بیماری‌های روحی- روانی را می‌توان انجام داد.

منابع

- امریایی‌نیا، مژگان (۱۳۹۴) بررسی تجارب‌زیسته زنان زندانی شهر سمنجان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در زندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما نعمت‌الله عزیزی، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- حسینی، سید محمد و نفیسه متولی‌زاده نائینی (۱۳۹۱) «بررسی نظریه برجسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی»، مطالعات حقوق خصوصی، سال چهارم و دوم، شماره ۴، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- ذبیح‌نیا، آسیه (۱۴۰۱) «بررسی رمان جای خالی سلوچ بر اساس نظریه داغ‌نگ اروینگ گافمن»، پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال چهارم، شماره ۷، صص ۷۹-۱۰۸.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی (۱۳۹۳) «تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان، پس از آزادی»، زن در توسعه و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۳۴۵-۳۶۲.
- (۱۳۹۶) «زندگی پس از زندان؛ چالش‌های بازسازی برای زنان»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، سال ششم، شماره ۳، صص ۳۱-۵۰.
- گودرزی، محبوبه (۱۴۰۰) نگاه گذشته‌نگرانه به تجربه‌های بازسازی زندگی زنان زندانی پس از حبس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی، استاد راهنما مرضیه ابراهیمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۴۰۱) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نی.
- موسوی‌تبار، سید مرتضی و سید حسین موسوی‌تبار (۱۴۰۱) «آسیب‌های زندان برای زنان و راه‌هایی برای کاهش آن»، اولین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در آسیب‌های اجتماعی خانواده، سلامت و علوم رفتاری، همدان، قابل دسترسی در: <https://civilica.com/doc/1530311>.
- ناصریان، سمیه (۱۴۰۲) تجربه زیسته زندانیان زن سابقه‌دار و حرفه‌ای از حضور مکرر در زندان (مطالعه موردی: زندانیان محکوم مواد مخدر با بالاترین میزان ارتکاب مجدد جرم در زندان زنان قرچک)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما محمد سعید ذکایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- Aiello, B., and McQueeney, K. (2016) "How can you live without your kids?" Distancing from and embracing the stigma of "incarcerated mother". *Journal of Prison Education and Reentry*, 3 (1): 32-49
- Artz, L., and Rotmann, B. (2015) Taking 'a count' of women in prison. *Agenda*, 29: 3-13.
- Australian Institute of Health and Welfare (AIHW) (2020) The health and welfare of women in Australia's prisons. Cat. No. PHE 281.
- Bartels L, Eastaer P, and Westgate R. (2020) Understanding women's imprisonment in Australia. *Women and Criminal Justice*. 30 (3): 204-219.

- Bartels, L. and Easteal, P. (2016) "Women prisoners' sexual victimisation: ongoing vulnerabilities and possible responses", *Journal of Criminological Research, Policy and Practice*, 2 (3), 206-216.
- Board, T., Ali, S. and Bartlett, A. (2023) "Intellectual disability screening in women prisoners: preliminary evaluation", *International Journal of Prisoner Health*, 11 (4), 243-254.
- Farhoudi, B., Shahmohamadi, E., SeyedAlinaghi, S., Rostam Afshar, Z., Mirzapour, P., Nadji, S., Golsoorat Pahlaviani, F., Tashakorian, M. and Hackett, D. (2023) "Sexual and reproductive history of female prisoners in Iran: a health care needs analysis", *International Journal of Prisoner Health*, 19 (4), 591-598.
- Fowler, C, Dawson, A, Rossiter, C, Jackson, D, Power T, Roche, M. (2018) When parenting does not 'come naturally': Providers' perspectives on parenting education for incarcerated mothers and fathers. *Studies in Continuing Education*. 40(1):98-114.
- Jefferson, A. M. and Jeffries, S. (2022) *Catching Flies: How Women are Exploited Through Prison Work in Myanmar*, Emerald Publishing Limited, Leeds, pp. 59-75.
- Leech, K., Rodham, K., Burton, A. and Hughes, T. (2024) "Understanding weight gain in female prisoners", *International Journal of Prison Health*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/IJOPH-05-2023-0024>.
- Miller AL, Weston LE, Perryman J, Horwitz T, Franzen S, Cochran S. (2014) Parenting while incarcerated: Tailoring the strengthening families program for use with jailed mothers. *Children & Youth Services Review*. 44:163-170.
- O'Brien CP, Charney DS, Lewis L, Cornish JW, Post RM, (2014), Priority actions to improve the care of persons with co-occurring substance abuse and other mental disorders: a call to action. *Biol Psychiatry*. 56 (10): 703-713.
- Renzetti, C.M. (2008) Criminal Behavior, *Encyclopedia of Violence, Peace & Conflict*, 5:488-498.
- Stathopoulos, M. (2012) Australian Centre for the Study of sexual assault. Australian Institute of Family Studies. Addressing women's victimisation histories in custodial settings. <https://aifs.gov.au/sites/default/files/publication-documents/i13.pdf>.
- Stone U, Liddell M, and Martinovic M. (2017) Incarcerated mothers: Issues and barriers for regaining custody of children. *The Prison Journal*. 97(3): 296-317.
- Walmsley, R. (2016) World female imprisonment list. Institute of Criminal Policy Research and Birbeck. Retrieved from https://www.prisonstudies.org/sites/default/files/resources/downloads/world_female_prison_4th_edn_v4_web.pdf.